

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
الْمَلِكِ الْحَمِيدِ
الْقَدِيمِ الْحَكِيمِ
الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
الْمَلِكِ الْحَمِيدِ
الْقَدِيمِ الْحَكِيمِ
الْغَنِيِّ الْكَرِيمِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

سحاب
رحمت

رسول مهربانی

پیامبر اسلام ﷺ، افتخار عالم بشریت، از زمان خلقت جهان تا پایان آفرینش است که حیاتش را بر خدامحوری کامل قرار داد؛ تاآنجاکه خطاب **﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾**^۱ در خصوص او نازل شد، همو که اخلاق نیکوپیش مفتخر به دریافت لوح **﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾** شد.

بر همین پایه، خدای رحمان او را بهترین اسوه قلمداد کرد و به همگان سفارش کرد که در تمام امور مادی و معنوی خود، از او الگو بگیرند: **﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾**^۲ و دستور داد که اگر می‌خواهید در دنیا خوب زندگی کنید و زندگی شما مقرون سعادت باشد، خدا و پیمبرش را اطاعت کنید: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِيبُوا اللَّهَ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾**^۳ به مناسبت عید سعید مبعث، گوشه‌هایی از زندگی این اسوه حسنه را به تماشا می‌نشینیم.

تو بر خلق عظیم هستی

خلق و خوی آن حضرت زبانزد خاص و عام بود و همو بود که خدایش فرمود: «تو بر اخلاق نیکو و بزرگی هستی!» برخورد او با فقیران و ثروتمندان مساوی بود. در نگاه‌کردن به اصحابش، عدالت را رعایت می‌کرد. به همه سلام می‌کرد. دعوت مؤمنان را اجابت می‌کرد؛ اگر چه به خرمایی پوسیده دعوت می‌شد. آن حضرت در عمل به وعده‌هایش به هیچ‌وجه کوتاهی نمی‌کرد. ... خوش‌معاشرت و خوش‌رو بود. همواره تبسم بر لبان مبارکش نمایان بود و اگر مزاح می‌کرد، به خوش‌حال‌کردن دل مؤمن می‌اندیشید. اگر تا سه روز، یکی از اصحابش را نمی‌دید، جویای حال او می‌شد. اگر مریض بود، به عیادت او می‌رفت و اگر مسافر بود، در حقش دعا می‌کرد و اگر در منزل بود، به دیدارش می‌رفت.^۵

باشما چگونه رفتار کنم؟

پیامبر ﷺ با رحمت و مهربانی و عفو و بخشش، انسان‌ها را به مسیر حق سوق می‌داد. خداوند متعال می‌فرماید: «به‌برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم [و مهربان] شدی و اگر خشن و سخت‌دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برایشان آموزش بخواه.»^۶ در ماجرای فتح مکه، کفار قریش و مشرکان مکه، انواع آزارها و شکنجه‌ها را بر آن حضرت روا داشتند؛ اما پس از فتح مکه، آن حضرت به آنان گفت: «به نظر شما من با شما چه رفتاری کنم؟» گفتند: «از تو توقع رفتار نیک داریم که برادری بزرگوار و پسر برادری بزرگوار هستی.» پیامبر ﷺ به آن‌ها فرمود: «به شما همان را می‌گویم که برادرم یوسف به برادرانش گفت: **﴿لَا تَتْرِبْ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ﴾**^۷ امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست.»^۸ این سیره پیامبر و اخلاق نیکوی حضرت، موجب شد تا فوج فوج مردم به دین اسلام بگروند و طبق وعده الهی، حق گسترش یابد.

کار او در راه خداست

تلاش و کار، یکی از ویژگی‌های بارز رسول گرامی اسلام ﷺ بود. او هم خود، کار می‌کرد و هم دیگران را به کار و پاداش دنیایی و آخرتی آن ترغیب می‌فرمود. در روایتی آمده است که روزی رسول خدا ﷺ با جمعی از اصحاب در محلی حضور داشتند. چشمان یاران پیامبر به جوانی نیرومند و زیبا اندام افتاد که در اول صبح، به کار اشتغال داشت. به آن حضرت عرض کردند: «یا رسول الله! اگر این جوان نیرومند، نیرو و انرژی خود را در راه خدا مصرف می‌کرد، بسی شایسته مدح و تمجید بود!» حضرت فرمود: «این سخن را نگویند. این جوان یا برای تأمین معاش و بی‌نیازی از دیگران کار می‌کند، یا هدف او پذیرایی از پدر و مادر ناتوان خود است، یا مقصود او سروسامان‌دادن به خانواده و فرزندانش است. در همه این حالات، انگیزه او مقدس و کار او در راه خداست.»^۹ آن حضرت با دست‌های مبارک کار می‌کرد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «رسول خدا سنگ‌ها را به دوش خود حمل می‌کرد و دیوار خانه‌اش را می‌ساخت.»^۹

به خانواده خدمت می‌کرد

رسول اعظم ﷺ نه تنها در میان مردم و در حضور دیگران کار می‌کرد، بلکه در منزل نیز به برخی از کارهای خانه می‌رسید. پیامبر ﷺ در خانه خود، به خانواده خدمت می‌کرد. گوشت را تکه‌تکه می‌کرد و بر سر سفره غذا متواضعانه می‌نشست.^{۱۰} آن حضرت کفش خود را وصله می‌زد، پوشاک خود را می‌دوخت، شخصاً در منزل را باز می‌کرد، گوسفندان و شتران را می‌دوشید، به هنگام خسته شدن خادمش در دستاس کردن، به کمک او می‌آمد و آب و وضویش را خود تهیه می‌کرد. در همه کارها به اهل خانه کمک می‌کرد و نیز لوازم خانه و زندگانی را بر پشت حمل می‌کرد و از بازار به خانه می‌برد. گاه اتفاق می‌افتاد که آن حضرت خانه خویش را نظافت می‌کرد و جارو می‌کشید و خود بارها در این باره می‌فرمود: «کمک به همسر و کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خدا محسوب می‌شود.»^{۱۱}

لباس کار، لباس منزل، لباس نماز

از جمله صفات برجسته آن حضرت، ساده‌زیستی و ساده‌پوشی بود. ایشان به جای قیمت و ارزش لباس، به پاکی و حلال بودن آن می‌اندیشید. نقل شده است که گاهی آن حضرت روی حصیر می‌خوابید، بی آنکه جز آن، زیراندازی داشته باشد. هرچه فراهم بود، می‌پوشید، چه قطیفه و پارچه نیکو و چه لباس پشمین. هرچه از حلال بود و می‌یافت، می‌پوشید.^{۱۲} آن حضرت برای زمان‌های خاص، لباس مخصوص می‌پوشید. لباس منزل، لباس کار، لباس نماز و لباس حضور در اجتماعات و جهاد با هم تفاوت داشتند.^{۱۳}

خداوند دوست دارد

رعایت نظم و ترتیب در تمام زندگی آن حضرت محسوس بود. وقتی به خانه‌اش می‌رفت، اوقاتش را سه قسمت می‌کرد؛ یک قسمت برای خدا، قسمتی برای خانواده‌اش و قسمت دیگر برای خودش. آن‌گاه قسمت خود را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و آن را برای بستگان و صحابه [که در منزل به خدمت او می‌رسیدند] قرار می‌داد و ذره‌ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی‌کرد.^{۱۴} عادتش بود که همواره خود را در آینه ببیند و سر و روی خود را شانه بزند. او علاوه بر اهل خانه، خود را برای یاران و اصحاب نیز می‌آراست و می‌فرمود: «خداوند دوست دارد که هرگاه بنده‌اش برای دیدن برادران از خانه بیرون می‌رود نیز خود را بیاراید.»^{۱۵}

پایانش چه می‌شود

شخص عاقل هرگاه بخواهد سخنی به زبان آورد یا دست به کاری بزند، اول تمام ابعاد و زوایای آن سخن و فعل را بررسی کرده و برای آن تدبیر می‌کند و بعد از ارزیابی مصالح و مفاسد آن و تأییدات عقلی، به انجام آن کار اقدام می‌کند. حضرت همیشه مردم را به تفکر و تدبیر قبل از هر کاری فرامی‌خواند و آن را از نشانه‌های عقل می‌دانست. حضرت در این باره چنین می‌فرماید: **﴿أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رَشْدًا فَامْضِهِ وَإِنْ يَكُ غِيَاً فَانْتَهِ عَنْهُ﴾**^{۱۶} (من تو را سفارش می‌کنم که هرگاه قصد انجام کاری را داشتی، پایان و نتیجه آن را در نظر بگیر. اگر پایان کار، رشد و هدایت بود، به انجام آن کار اقدام وز و اگر گمراهی و ضلالت بود، از انجام آن دوری کن.)

۵. طبرسی، مکرم الاخلاق، باب شانزدهم.

۶. العمران، ۱۵۹.

۷. بوسفه، ۹۲.

۸. المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۱۴۰.

۹. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۱.

۱۰. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰.

۱۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۱۲. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۱۲۵.

۱۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۱۴. سبهای پیامبر اسلام ﷺ، ص ۵۱.

۱۵. طبرسی، مکرم الاخلاق، ص ۳۲.

۱۶. کافی، ج ۸، ص ۱۴۹.

۱. نجم، ۳.

۲. قلم، ۴.

۳. اجزاء، ۲۱.

۴. انفال، ۲۴.